

فضای جمعی و حیات مدنی

سید امیر منصوری

استادیار گروه معماری دانشکده هنرهای زیبا، دانشگاه تهران

آغاز تمدن

از آن هنگام که انسان ها شکار و دوره گردی را رها کردند و یکجانشین شدند، تمدن آغاز شد. تمدن و مدنیت، اصطلاحاً مجموعه‌ای از آداب و رسوم، دستاوردها، روش‌ها، دانش‌ها و بینش‌هاست که ملل مختلف در دوره زندگی جمعی خود به دست آورده اند. واژه تمدن هم خانواده با مدینه و شهر است. همین نسبت میان واژه های شهر و تمدن نیز در زبان های اروپایی وجود دارد. می توان دستاورد حیات مدنی تمدن را جامعه، فراسوی (اجماع) انسان ها و زندگی اجتماعی انسان خواند.

تمدن و جامعه

جامعه عبارت از زندگی گروهی انسان‌هاست که اهداف و مبادلات مختلف فرهنگی، تربیتی، اقتصادی، علمی و امثال آن در میانشان جاری است. مجموعه این ارتباط ها، دانش‌ها و بینش‌هایی را در جامعه می آفریند که سطح و نوع جامعه را معرفی می کند. بسیاری از اندیشمندان، جامعه را تنها زندگی نزدیک به هم افراد نمی دانند، بلکه اجتماع را علاوه بر مجموعه‌ای از انسان‌ها، واجد هویتی واحد به شمار می آورند که دارای تاریخ و فرهنگ و بینش قابل تعریف است.

آموزه‌های قرآنی ما نیز حاکی از قایل شدن به موجود مستقل و واحدی به نام جامعه است که دارای روح و اجل است. این موجود همچون فرد انسان دارای مراحل مختلف از جمله طفولیت و بلوغ است. مجموعه دانش‌ها و بینش‌های اجتماع قابل انتقال به نسل بعد بوده و جامعه با سیری پیوسته در حال تجربه و بهره گیری از دستاوردهای پیشینیان خود است. از این روست که فضای زیست جامعه، به عنوان موجود زنده ای که در ازای چگونگی حیات خود به مراتب بالاتری از کمال دست می یابد، اهمیت پیدا می کند.

تمدن و شهر

با این تعبیر که جامعه موجود زنده‌ای است که روح دارد، کمال می یابد و تجربیات خود را به نسل های بعد انتقال می دهد، تمدن معنا می یابد.

ملت متمدن، در این منظر، ملتی است که از گذشته طولانی تری از حیات اجتماعی برخوردار بوده به گونه ای که مظاهر و دستاوردهای زندگی مدنی او در فرهنگ، هنر، حکومت و آدابش پیداست. نزد ملل متمدن، از دستاوردهایی است که در تعامل دوسویه با تمدن شهر به سر می برد، شهر از تمدن مایه می گیرد و در عین حال تمدن را قوام می بخشد.

شهر، محل وقوع اجتماع است. فضایی است که در آن مفهومی به نام اجتماع با همه ابعاد خود محقق می شود. نمی توان اجتماعی را بدون فضای زندگی جمعی آنها تصور کرد. اجتماع، مجموع آدم هایی نیستند

که در کنار هم ایستاده اند. بلکه گروهی از انسان هاست که در سیستم منظمی با یکدیگر مرتبط بوده و عملکردهایشان در فضایی به نام شهر رخ می دهد.

از این روست که چگونگی شهر اهمیت می یابد. شهر، فرصت زندگی جمعی یا به تعبیر امروزی آن، حیات مدنی را فراهم می آورد. در عین حال، چون تعامل دو سویه است، حیات مدنی ساختار شکل شهر را نیز قوام می بخشد. از این نظر تعابیر گوناگونی که در مورد شهر به کار می رود، از جمله شهر اسلامی، شهر مسیحی قرون وسطی، شهر چینی و امثال آنها معنا پیدا می کند. زیرا هر یک از شهرهای نام برده، ذیل تمدن جداگانه شکل گرفته اند و طبعاً واجد شرایطی بوده اند که آن تمدن برایشان ترسیم کرده و با تشدید آن شرایط از طریق ساختار و شکل شهر، زمینه های تحقق تمدن متبوع خود را افزون ساخته اند.

شهر و حیات مدنی

حیات مدنی چیست؟ اگر آن را اجمالاً مجموعه فعالیت های یک اجتماع بدانیم، که با هدف، منافع و معیارهای مشترک صورت می گیرد در این صورت لازم است زمینه های تحقق حرکت جمعی در فضاهای شهر موضوع بررسی قرار گیرد.

نخستین مرتبه شناخته شده از استقرار حیات جمعی در فضاهای یک شهر، پیدایش عملکردهای مختلف ناشی از تقسیم کار است. جامعه از طریق نظام اداره خود، احاد اجتماع را در ارتباطی تعریف شده با یکدیگر قرار می دهد. آموزش، اشتغال، درمان و سایر نیازهای زیست او را تامین می کند. لکن مجموعه این گروه از فعالیت ها که کاربری های یک شهر سازمان یافته اند ناظر بر رفع نیاز یکسویه افراد از طریق مراجعه مستقل و شخصی به هر یک از کاربری ها اعم از آموزشی، درمانی و امثال آن است. در این رابطه فرد به دنبال احساس نیاز یا انجام مسئولیت خود در محیط حضور می یابد و ارتباطهای اجتماعی او محدود، تعریف شده و حداقلی است. عمده وقت او نیز صرف تحقق رابطه خصوصی میان فرد و دستگاه می گردد. ارتباط در این روش عمدتاً یک سویه است و از طریق دریافت فرد از محیط صورت می گیرد. سایر ارتباط های اجتماعی که در اثنای حضور برای فعالیت اصلی رخ می دهد فرع بر آن می باشند که چگونگی آن در ادامه بحث می شود. مرتبه دیگری از حیات مدنی برنامه های مربوط به اوقات فراغت افراد اجتماع است. دوره ای که فرد نه برای معیشت خود (کار) و نه برای آسایش جسم (خواب) که در راه رفع نیازهای معنوی به فعالیتی اختصاصی می دهد. اوقات فراغت آنچنانکه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز آن را مورد تاکید قرار داده است بخشی از برنامه های انسان را در بر می گیرد که صرف فعالیت های روحانی انسان می شود. دید و بازدید، ورزش، هنر، گردش، تفریح و امثال آنها در این گروه از فعالیت ها قرار دارند.

در این مرتبه حیات جمعی، انسان ها بیشترین ارتباط را با یکدیگر پیدا می کنند بدون آن که رفع نیاز معیشتی بر حضور آنها حاکم باشد. اشتغالات اوقات فراغت، هم از حیث محتوای فعالیت و هم از جهت فضایی که ایجاد می کند به طور مستقیم در جهت رشد جنبه های تمدنی و اجتماعی انسان نقش دارد. برنامه ریزی برای فراهم آوردن وسایل و زمینه های اشغال انسان ها به این قبیل فعالیت ها نقش مهمی در ارتقای تمدن ایفا می کند.

فضای جمعی و اوقات فراغت

درمیان فضاهای مختلفی که برای انواع فعالیت های اوقات فراغت شناخته می شود، فضای جمعی شهر نقش ویژه ای بر عهده دارد. این فضا، جایی است که انسان ها گرد هم می آیند تا یکدیگر را ببینند، از اوضاع خود و دیگران باخبر شوند، روابط متقابل ایجاد نمایند و درباره راه حل مسایل خود تبادل نظر کنند. جایی است که در آن، انسان ها تجربیات معنوی و اجتماعی خود را در معرض شناخت و استفاده یکدیگر قرار می دهند.

فضای جمعی شهر، محل زندگی مدنی انسان هاست. شهر چیزی بیش از مجموعه ای از ساختمان ها و خیابان های میان آنهاست. جاهایی در شهر وجود دارد، در مقیاس های مختلف که انسان ها نه برای عبور از آن و نه برای رفع نیازهای معیشتی در آنها حضور می یابند. این محل ها، به دنبال تجربه قرون، بهانه هایی نیز در کنار خود دارد تا در عین حال رفع حاجت حاضرین را نیز بنماید. فضای جمعی، محل گشاده ای است که جمع برای اهداف معنوی و اجتماعی در آن حاضر می شود و برای رونق داشتن و با نگاهی واقع گرایانه جدا از سایر حوایج انسانها نیز نیست. یک مغازه، مسجد، مدرسه، حمام، درمانگاه و امثال آنها در جوار آن جای می گیرد تا فعالیت های اوقات فراغت انسان با برنامه های جاری زندگی او مانوس شود. فضای جمعی، جایی بدون عملکردهای رایج نیست. لکن، در عین سازگاری با فعالیت های دیگر، جایی در حاشیه و فرع بر عملکردهای متعارف شهر نیست. اصل است. فضایی است ایجابی. فاصله خالی میان فضای عملکردهای شهری نیست. میدانگاهی است که به ضرورت هدف خود ایجاد می شود و سپس سایر فعالیت ها با او هماهنگ می شوند. بدین ترتیب فضای جمعی از حاشیه به متن می آید. موضوع قرار میگیرد و در فضا شکل می یابد.

تجربه ایرانی فضای جمعی

شهر ایرانی، رشد یافته در فرهنگ اسلامی، توجه خاصی به بعد اجتماع انسان دارد. فرهنگ اسلامی آنچنان توصیه به تشکیل اجتماعات نموده که حتی عبادت را که عملکردی کاملاً شخصی و رابطه ای انتزاعی میان فرد و خالق است ترجیحاً به صورت جمعی ارزش گذاری کرده است. مسجد، عملکردی که بعداً محور فضای جمعی قرار گرفت به فراوانی در محلات پراکنده گردید تا اهالی شهر به سادگی گرد هم جمع شوند. عبادت آنها نیز بهانه تجمع قرار گرفت تا از قبل گردهمایی آنها، روح جمعی جامعه رشد یابد و تمدن حاصل آید. سایر مراسم دینی فرهنگی نیز در قالب های اجتماعی معنا می یابد. چنین تمدنی که در عین توجه به نقش فرد به جمع اصالت داده است به وجود آورنده فضاهای جمعی متنوع و در مقیاس های مختلف برای سطوح گوناگون اجتماعات انسانی است. از خردترین مقیاس آن که پیرنشین و جلو خان سردرخانه است و محل تجمع همسایه ها و گفت و گوی سرپایی تا گذری در زیر محله که کمی گشاده شده تا محل گپی باشد و گفت و گویی آغاز می شود و تا مقیاس میدان بزرگ شهر در جوار بازار و مسجد جامع می رسد که محل تجمع همه اهالی شهر است.

گونه شناسی فضاهای جمعی در شهرهای ایران حاکی از توجه به تنوع این فضاها بر حسب مقیاس اجتماعی آن و پیوند با عملکرد های رایج همان مقیاس است.

نگاه واقع گرایانه و مسالمت آمیز مسلمانان به محیط زیست در راه ساخت و پرداخت فضای جمعی به بهره گیری از امکاناتی که در فضاهای واسطه میان عملکردهای عمومی با بافت شهر رخ می دهد معطوف گردیده است.

جلوخان مدرسه، حیاط مسجد، محوطه کاروانسرا، میدان شهری و دروازه شهر ضمن رفع نیاز عملکردهای متنوع خود، از انواع فضاهای جمعی هستند که جامعه ایرانی در جست و جوی محل زیست اجتماعی خود به آنها دست یافته است. این تجربه همچنان که گفته شد نمونه برجسته ای از تعامل دو سویه شهر و تمدن است. اصالت اجتماع موجب پیدایش فضاهای جمعی در سطوح مختلف می شود و این فضاها اندیشه اجتماع گرایی را محقق ساخته و تقویت می نماید

شهر امروز، نافی اندیشه اصالت

جمع شهرهای امروز ایران، با اندوه فراوان، فاقد فضاهای جمعی برای تحقق و تقویت حیات مدنی هستند زندگی جمعی در شهر امروز، به طور تصادفی و در حاشیه عملکردهای مختلف شهر صورت می گیرد. نگاه اصلی در ساماندهی پیاده روها، پارک ها، میدان ها و فضاهای تجاری و خدماتی تنها به انجام عملکرد مورد نظر است و بس. هرگز توجهی نشده که پارک در مسیر راهی باشد تا هم پارک باشد و هم راه و هم محل مناسبی برای تجمع. از این روست که بسیاری از پارک های شهرهای ما محل امنی برای بزه اجتماعی است. این نگاه فاقد اندیشه اصالت و ترجیح جمع است. بر عکس به دنبال تقویت روحیه فردگرایی است. تعریف او از انسان، موجودی تنهاست با نیازهایی معیشتی و دنیای معنوی خصوصی. مسئله شناسی علمی از هویت شهر امروز ما، قطعاً موید تغییر بنیاد نظری حاکم بر ساماندهی شهر خواهد بود. از این رو لازم است تا در فرآیندی چند جانبه و آگاهانه مسئله مورد بررسی قرار گیرد و پس از شناخت و احصای مشکلات، با تکیه بر مبانی نظری بومی، راه حل های خروج از بحران، شناسایی و به کار گرفته شود. منابع مکتوب ما در عرصه معماری و شهر بسیار اندک است. نشریات فعلی مربوط به معماری و شهر نیز یا ماهیتا و یا به دلیل اقتضائات و تنگناها چنان تخصصی و بعضاً اختصاصی شده اند که در فراگیرترین حالت ها مخاطبان شان تنها طیفی از دانشجویان و دست اندرکاران این رشته های تخصصی اند. معماری و شهر از مقولاتی هستند که مردم در مقیاس گسترده ای با آنها ارتباط دارند، لکن نوشته های مدون در این زمینه نادر و اظهارنظرهای شعارگونه و سطحی راجع به آنها بسیار رایج است. فقدان منابعی در باب معماری و شهر که در حوزه درک عمومی باشند از یک سو و تناسب تیراژ بالای روزنامه با دامنه قابل تکثیر این درک از سوی دیگر سبب شد به معماری و شهر نیز که محمل بخش عمده ای از هنرها از قبیل سینما، تئاتر، ... یا فراتر از آنها زندگی است پردازیم. صفحه معماری و شهر محلی خواهد بود برای طرح مطالب و اندیشه های روز در زمینه فضاهای زیست انسانی.